

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: مقدمه و مبانی نظری
۱-۱	بیان مسئله..... ۲
۲-۱	پیشینه سابقه موضوع..... ۳
۳-۱	سوال اصلی ۶
۳-۱-۱	سوالات فرعی..... ۶
۴-۱	فرضیه اصلی..... ۷
۵-۱	متغیرها..... ۷
۵-۱-۱	متغیر مستقل..... ۷
۵-۱-۲	متغیر وابسته..... ۷
۶-۱	تعریف عملیاتی مفاهیم اصلی فرضیه اصلی پژوهش..... ۷
۶-۱-۱	تکنولوژی اطلاعات..... ۷
۶-۱-۲	حوزه عمومی..... ۱۰
۷-۱	روش شناسی..... ۱۳
۷-۱-۱	مبانی نظری متکثر گرای لیوتار..... ۱۵
۷-۱-۲	لیوتار و بازی های زبانی ویتگنشتاین..... ۱۵
۸-۱	اهمیت مسئله..... ۱۷

۹-۱ مشکلات و محدودیت ها و سازماندهی مطالب..... ۲۰

۱۰-۱. سازماندهی مطالب..... ۲۰

فصل دوم: حوزه عمومی از منظر هابر ماس

۱-۲. حوزه عمومی - حوزه خصوصی..... ۲۲

۲-۲. مفهوم سپهر عمومی در آثار هابر ماس..... ۲۴

۳-۲. ظهور سپهر عمومی..... ۲۸

۴-۲. کنش ارتباطی، بنیاد شکوفایی حوزه عمومی..... ۳۷

۵-۲. هابر ماس - حوزه عمومی - دموکراسی مشورتی..... ۴۰

۶-۲. نظریه دموکراسی مشورتی میخائیل باختین: مونولوگ در برابر دیالوگ..... ۴۲

۷-۲. نمونه ی آرمانی حوزه عمومی..... ۴۴

۸-۲. مدیریت و دستکاری اطلاعات: هابر ماس و زوال حوزه عمومی..... ۴۶

۹-۲. تکنولوژی و جهان زیست اجتماعی..... ۴۷

۱۰-۲. هابر ماس: دموکراسی، جنبش های اجتماعی و حوزه عمومی..... ۴۹

۱۱-۲. راهکارهای احیای حوزه عمومی..... ۵۱

فصل سوم: تکنولوژی ها، تغییرات و منتقدان آن

۱-۳. از تخته تا تکنولوژی..... ۵۵

۲-۳. توالی تاریخی انقلاب تکنولوژی اطلاعات..... ۵۷

- ۳-۳. از جهان گوتنبرگ تا جهان مک لوهان: ظهور رسانه های جمعی..... ۵۸
- ۳-۴. رسانه های جدید و تنوع مخاطبان انبوه..... ۵۹
- ۳-۵. منظومه اینترنت..... ۶۰
- ۳-۶. خصوصیات و کیفیات ویژه ی ارتباطات اینترنتی..... ۶۳
- ۳-۷. فرهنگ مجازی واقعی: یک پارچگی ارتباطات الکترونیک ظهور شبکه های تعاملی..... ۶۴
- ۳-۸. روش شناسی کاستلز..... ۶۶
- ۳-۹. تکنولوژی اطلاعات، صر اطلاعات، جامعه شبکه ای..... ۶۷
- ۳-۱۰. تکنولوژی اطلاعات و سیاست..... ۶۸
- ۳-۱۱. جامعه اطلاعاتی در نگاه گیدنز..... ۷۲
- ۳-۱۲. منتقدان تکنولوژی..... ۷۳
- ۳-۱۲-۱. تکنولوژی های جدید و رویارویی نظری تکنوفیل ها و تکنو رئالیست ها..... ۷۳
- ۳-۱۳. نگاه بدبینانه به رابطه ی بین تکنولوژی های اطلاعات و سیاست..... ۷۷
- ۳-۱۳-۱. فلسفه تکنولوژی، پرسش از تکنولوژی..... ۷۷
- ۳-۱۳-۲. پدیدار شناسی رابطه ی تکنولوژی اطلاعات با سیاست..... ۷۸
- ۳-۱۳-۲-۱. جهان انفورماتیک..... ۸۰
- ۳-۱۳-۲-۲. امپریالیسم سایبر..... ۸۱
- ۳-۱۴. گفت و گو در دنیای مجازی..... ۸۲
- ۳-۱۴-۱. محدودیت های دسترسی به حوزه عمومی مجازی..... ۸۳
- ۳-۱۴-۲. گفت و گوی مخدوش در حوزه عمومی مجازی..... ۸۴

۳-۱۵. نظارت های پانایتیکونی در فضای سایبر و مسئله حقوق بشر در جامعه شبکه ای..... ۸۶

فصل چهارم: رابطه ی تکنولوژی های جدید با سیاست، قدرت، جنبش های جدید و حوزه ی عمومی

۴-۱. نگاه مثبت و خوش بینانه به رابطه ی تکنولوژی های اطلاعات و سیاست..... ۹۲

۴-۱-۱. الوین تافلر..... ۹۳

۴-۱-۲. دانیل بل..... ۹۵

۴-۱-۳. آنتونی گیدنز..... ۹۶

۴-۱-۴. دیوید هلد..... ۹۸

۴-۱-۵. دموکراسی سایبر..... ۹۹

۴-۱-۶. جامعه مدنی مجازی..... ۱۰۱

۴-۱-۷. رویکرد فمینیستی..... ۱۰۳

۴-۲. نگاه میانه به رابطه تکنولوژی اطلاعاتی - ارتباطی و سیاست..... ۱۰۶

۴-۲-۱. محافظه کاران فلسفه سیاسی..... ۱۰۷

۴-۲-۲. محافظه کاران جهان سومی..... ۱۰۸

۴-۲-۳. مایکل اوکشات..... ۱۱۰

۴-۲-۴. هانا آرنت..... ۱۱۱

۴-۲-۵. ریچارد رورتی..... ۱۱۴

۴-۲-۶. هابر ماس..... ۱۱۵

- ۱۱۸.....مدرنیته، پروژه ای ناتمام.....۱-۶-۲-۴
- ۱۲۰..... سرمایه داری متاخر، جهانی شدن بحران ها۲-۶-۲-۴
- ۱۲۱.....تکنولوژی جدید اطلاعات و مفهوم قدرت از نگاه فوکو.....۳-۴
- ۱۲۵..... رسانه های جدید و جنبش های اجتماعی جدید.....۴-۴
- ۱۲۷..... فرصت های اطلاعاتی -ارتباطی و حقوق بشر در فضای سایبر۵-۴
- ۱۳۰..... حقوق بشر در فضای سایبر.....۱-۵-۴
- ۱۳۱.....دایره المعارف گرایی نوین آغاز موج جدید روشنگری در فضای سایبر۲-۵-۴
- ۱۳۶.....پتانسیل های دموکراتیک اینترنت و بسط حوزه عمومی در فضای سایبر۶-۴
- ۱۴۱.....خاتمه و نتیجه گیری.....
- ۱۴۷.....منابع.....

فهرست جداول و نمودارها :

- نمودار ۱-۲ : امکانات حوزه عمومی..... ۴۲
- نمودار ۲-۲ : راهکارهای احیای حوزه عمومی..... ۵۲
- جدول ۱-۴ : جامعه شناسی سیاسی هابر ماس..... ۱۱۸
- جدول ۲-۴ : بحرانهای نظام سرمایه داری..... ۱۱۹
- جدول ۳-۴ : راه حل های بحران سرمایه داری..... ۱۱۹
- نمودار ۴-۴ : ساختار سلسله مراتبی رسانه ها..... ۱۴۰

فصل اول

کلیات

۱-۱. بیان مساله

در پی انقلاب تکنولوژیک که به صورت پیدایش تلفن همراه، ماهواره‌ها، رسانه‌ها، کامپیوترهای پیشرفته، اینترنت و علوم و فنون جدید اطلاعاتی نمایان شد، روابط انسانی دستخوش تغییرات بنیادی قرار گرفت. به اعتقاد فرانک وبستر «جهان امروز به لحاظ تجربه کردن اطلاعاتی بی‌سابقه است و ما در دوره‌ی انتقالی به سر می‌بریم که در آینده به تغییرات عمیقی در زندگی مان ختم خواهد شد» (Webster, 2001:1). روند تکامل کمی و کیفی رادیو و تلویزیون، ماهواره و اینترنت باعث شده است به عصر اعداد و ارقام کامپیوتری قدم بگذاریم که از عصر صنعت گرایی و سرمایه گذاری دولت - محور متمایز است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۹۸). ج (۲). در این تکامل جهشی که انقلاب اطلاعات نام دارد، شاهد مهندسی خرد و کلان تحولات به وسیله‌ی سیستم‌های الکترونیک و اطلاعاتی هستیم.

نقطه‌ی عطف این تحولات در دهه‌ی ۱۹۷۰ روی داد که با تکنولوژی حیات نیز پیوند دارد. اولین موج این تاثیر گذاری، روندی را شکل داد که به رواج بهره‌وری متکی بر دانش، و سرمایه‌داری اطلاعات محور انجامید. این روند در طی تکامل اطلاعات خویش، به نهادها و سازمان‌هایی تبدیل می‌شود که در مجموع، فرهنگ جامعه شبکه‌ای را شکل می‌دهند. کاستلز از این تحولات با عنوان حرکت از جهان گوتنبرگ به دنیای مک لوهان یاد می‌کند. در این تحول فرهنگ رسانه‌های جمعی، یعنی رسانه‌هایی با مخاطبان انبوه و متنوع و ارتباطات کامپیوتری، به جهت سوق‌دهی جوامع مجازی و منظومه‌های اینترنتی به سمت فضاهای تعاملی و شکل‌گیری محیط‌های نمادین و مجازی پیش می‌رود. امکان‌های تکنولوژی اطلاعات در قالب محیط‌های سایبر و شکل‌گیری جوامع شبکه‌ای، سیاست را نیز دستخوش تغییرات بنیادین می‌کند.

تاثیر این تغییرات به گونه‌ای است که می‌توان در عرصه تحلیل، سیاست را به دوران قبل و بعد از پیدایش تکنولوژی اطلاعات تقسیم نمود. تحلیل بسترهای علوم سیاسی در قبل از پیدایش تکنولوژی اطلاعات، حالت توصیفی و هنجاری مبتنی بر اخلاق واره‌های انسانی دارد. پس از انقلاب تکنولوژی اطلاعات، علوم سیاسی حالتی ساختاری پیدا کرد. دیگر برای بحث از آزادی، عدالت و بسیاری از فضیلت‌های سیاسی تنها تکیه بر سوژه‌های انسانی کارآمد نیست و باید وجوه ساختاری اطلاعاتی جدید نیز برای تحلیل سیاست مورد توجه

قرار گیرد. به گونه‌ای که نادیده گرفتن آن قلمرو، سیاست را بسیار تخیلی و غیر واقع‌بینانه می‌سازد. بر همین اساس دیگر نمی‌توان در فلسفه‌ی سیاسی این دگرگونی ناگهانی را نادیده گرفت.

عطف به مباحث فوق و اهمیت تکنولوژی‌های اطلاعاتی، می‌توان گفت که عرصه‌ی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در نتیجه‌ی تحولات فوق دستخوش تحولات بنیادینی شده‌اند. آنچه در این پژوهش بیشتر از همه مورد تأکید است اثرات تحولات تکنولوژی فوق بر قلمرو سیاست است. بدیهی است که تاثیر گذاری تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی بر قلمرو سیاست بسیار گسترده می‌باشد. به نظر می‌رسد قلمرو سیاست را می‌توان در دو بخش مورد بررسی قرار داد. بخشی از این قلمرو به حوزه قدرت و حاکمیت مربوط است که در این جا با پدیده‌هایی مثل دولت و حکومت مواجه هستیم. بخش دیگری در قلمرو سیاست به حوزه‌ی اجتماعی تعلق دارد. مطالعه‌ی ارتباط این دو حوزه در علوم سیاسی امری حایز اهمیت است. به نظر می‌رسد در نتیجه‌ی تنوع و تعدد تکنولوژی‌های ارتباطی - اطلاعاتی جدید هر دو قلمروی سیاست دستخوش تغییر شده‌اند. این تحول در مناسبات مربوط به قدرت و حاکمیت از یک طرف و جامعه و مردم از طرف دیگر تأثیرات شگرف بر عرصه‌ی عمومی داشته‌است. نوشتار حاضر نیز در پاسخ به این سوال شکل خواهد گرفت که چه نسبتی می‌توان میان تکنولوژی‌های جدید و حوزه عمومی برقرار نمود؟ تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی چه تأثیری بر حوزه‌ی عمومی دارد؟

۱-۲. پیشینه و ادبیات موضوع

مباحث جدید علمی در رشته‌های سیاست و ارتباطات توجه روز افزونی به تأثیرات مثبت و بالقوه یا منفی فن‌آوری‌های ارتباطی نوین به‌ویژه اینترنت در تحولات سیاسی جوامع نشان می‌دهد. امروزه توجه به این موضوع به سرعت در حال رشد و شکوفایی است و تعداد کتب، مقالات، رساله‌های دانشگاهی و دوره‌های آموزشی که برای پاسخگویی به سوالات مربوط به نقش اینترنت در سیاست تالیف یا تشکیل شده، در حال افزایش است. به رغم توجه پژوهشگران علوم سیاسی، ارتباطات و جامعه‌شناسی به بررسی و مطالعه‌ی ابعاد مختلف ارتباطات نوین رایانه‌ای و شبکه‌اینترنت و استقبال روز افزون آن‌ها، این مطالعات هنوز در مراحل نخستین خود است.

در این نوشتار از کارهای زیادی بهره گرفتیم، که به صورت مختصر در پی نوشت خواهد آمد، آثار جامعه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی و ارتباطات هرچند موضوع ما را به صورت کامل پوشش نمی‌دهد، اما در گرفتن ایده‌ی ابتدایی و شرح آن و کشاننده مطلب به نوشتار از آن استفاده کردیم. آثار کسانانی چون یورگن-

هابرماس، ایمانوئل کاستلز، ژان فرانسوا لیوتار، میشل فوکو، مارتین هایدگر، آنتونی گیدنز، فرانک وبستر، کیت نش، آلوین تافلر، آلن تورن، گیبینز، مک لوهان.

مطالعاتی که مرتبط با این پژوهش صورت گرفته است را در ذیل به صورت مختصر شرح می‌دهیم:

«**هوارد راینگولد**» یکی از نخستین و معروفترین پژوهشگرانی است که در طی یک دهه‌ی اخیر و در اوایل دهه‌ی نود میلادی در نخستین مراحل جهانی شدن شبکه‌ی اینترنت به بررسی تاثیرات این شبکه بر زندگی سیاسی پرداخته است. راینگولد که از سال ۱۹۸۵ به عنوان عضو یک «جهان مجازی»^۱ به برقراری ارتباط روزمره با دیگر اعضای شبکه از طریق «کنفرانس از راه دور»^۲ پست الکترونیک و گروه‌های خبری ویژه می‌پرداخت، نتیجه‌ی تجربیات خود را در تدوین نظریه‌ای در باره‌ی تاثیرات شبکه‌ی اینترنت در تقویت و تحکیم دموکراسی و ایجاد اشکال جدیدی از مشارکت سیاسی شهروندان در یک «حوزه عمومی مجازی»^۳ به کار گرفت.

«**آلینا تورنتون**» یکی از پژوهشگران در زمینه ارتباطات سیاسی است که در بررسی خود با بهره‌گیری از مفهوم حوزه عمومی در صدد پاسخگویی به این پرسش است که: «آیا اینترنت دموکراسی می‌آفریند؟». در بحث او بسیاری از ابعاد عملکرد واقعی اینترنت لحاظ شده است ولی تورنتون به روشنی معلوم نمی‌کند که اینترنت کدام حوزه‌های زندگی سیاسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و این تاثیرات چگونه واقع می‌شود، ضمن آن که بسیاری از محدودیت‌های مشارکت سیاسی از طریق اینترنت بنا به تاکید خود تورنتون امروزه در حال کاهش است.

«**دنيس گي نور**» از محققان رشته‌ی ارتباطات سیاسی دانشگاه «جرج تاون» آمریکا از جمله کسانی است که مفهوم حوزه‌ی عمومی را برای مطالعه‌ی جامعه‌شناسی در ارتباطات رایانه‌ای و اینترنت کاملاً مناسب می‌داند. به اعتقاد «گی نور»، قدرت‌های مسلط سیاسی و اقتصادی در صدد تحمیل سلطه‌ی خود بر اینترنت همانند رسانه‌های سنتی هستند و این امر ایجاد حوزه‌ی عمومی واقعی را در اینترنت به چالشی دشوار برای شهروندان مبدل می‌سازد.

«**روری اوبراین**» در «جامعه مدنی، حوزه عمومی و اینترنت» با توسل به مفهوم حوزه عمومی به عنوان عنصر اساسی جامعه مدنی که سازمان‌های سیاسی و مدنی متشکل از شهروندان را نمایندگی می‌کند، این

¹ Virtual Community

² Teleconference

³ Virtual Public sphere

سازمان را در برابر بخش عمومی (دولت) و بخش خصوصی (بنگاههای اقتصادی) قرار داده و چنین استدلال می کند که «قدرت فزاینده‌ی سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در جوامع سرمایه‌داری موجب کاهش روز افزون مشارکت دموکراتیک شهروندان در امور جامعه شده است» (O,brien , 1999: 14).

«**مارک پوستر**» در تحقیقات اولیه خود اتخاذ رهیافتی تازه در مطالعه دموکراسی را با توجه به ظهور شبکه‌ی اینترنت ضروری دانسته، در عین حال مفهوم حوزه عمومی را «قلب و محور صورت‌بندی نظری تازه- ای درباره‌ی دموکراسی» معرفی کرده بود، لیکن در نوشته‌های اخیرش کاربرد مفهوم حوزه عمومی را در مطالعه‌ی اینترنت نارسا خوانده و خواستار رها کردن آن است.

«**اما رو کسبای**» یکی از محققان جامعه‌شناسی سیاسی ارتباطات در مقاله‌ی «دموکراسی به میانجگری رایانه‌؟» (۱۹۷۷) همصدا با پوستر هر گونه امکان عملکرد شبکه اینترنت را به عنوان حوزه‌ی عمومی نفی می- کند.

«**اندرو آویس**» پژوهشگر کانادایی رساله‌ی فوق لیسانس خود را در دانشگاه کارلگاری را در سال ۱۹۹۵ به بررسی نقش جماعات مجازی جدید در روندهای دموکراتیک که بر اثر توسعه شبکه‌ی اینترنت شکل گرفته است اختصاص داد.

«**س اشنايدر**» در مقاله «ایجاد حوزه عمومی دموکراتیک از راه مباحثه سیاسی» کوشید تا عملکرد زیر شبکه^۱ ارتباطی رایانه‌ای «یوزنت»^۲ را در طی یک سال بررسی و میزان تطابق آن با معیارهای مدل حوزه عمومی را ارزیابی نماید.

«**چالز اس**» یکی از پژوهشگران در کتاب خود به نام «دموکراسی سیاسی رایانه‌ای» ارتباط رایانه‌ای و هابر ماس «(۱۹۹۶)» به بررسی ارتباطات میان افراد در درون زیر شبکه‌ی اینترنتی موسوم به «Moo»^۳ پرداخته است. وی با تاکید بر ماهیت آزادانه و اختیاری مشارکت افراد در این شبکه‌ها می‌نویسد «این گونه مشارکت‌ها پناسیل دموکراتیک اینترنت را در مقام حوزه عمومی افزایش می دهد» (Ess, 1996: 56).

«**استیفون کلیفت**» از پایه گذاران یک جماعت مجازی در اینترنت در کتاب «دموکراسی آن- لاین» می‌نویسد: «دموکراتیک ترین جنبه‌ی اینترنت فرصتی است که این شبکه برای مردم فراهم می سازد تا

¹ Subnet

² usenet

³ MultyObject Orientd

در چارچوب گروههایی که در فضاهای مجازی تشکیل می‌دهند، خود را سازماندهی کنند و به عمل سیاسی و جمعی و مشترک دست بزنند» (Clift, 1998:13).

«**کیم بنگ فار**» در رساله‌ی دکتری خود در رشته‌ی حقوق و دیپلماسی از جمله محدود پژوهش‌های جدید راجع به تاثیرات سیاسی اینترنت در زندگی سیاسی برخی ملل آسیایی است. فار در رساله‌ی خود در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا اینترنت می‌تواند سیاست و جامعه را در کشورهای شرق و جنوب آسیا از جمله چین تغییر دهد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، این تغییر در چه جهتی و تا چه حدی خواهد بود؟ فار با بررسی ویژگی‌های اینترنت نظیر محور فاصله‌های جغرافیایی، کاهش روز افزون هزینه‌های دسترسی و ارتباط در شبکه و ارایه امکاناتی جدید برای تشکیل گروههای مجازی جهت فعالیت آنلاین می‌نویسد: «اینترنت در کشورهای آسیایی تا کنون آثار اقتصادی مثبتی از خود بر جای گذاشته است ولی در زمینه‌ی سیاسی میزان تاثیر آن تنها با گذشت زمان مشخص خواهد شد» (Phar:13).

۱-۳. سوال اصلی پژوهش

پرسش محوری این نوشتار این است که آیا تکنولوژی‌های نوین ارتباطی موجب تغییر در حوزه‌ی عمومی شده‌اند؟

۱-۳-۱. سوالات فرعی پژوهش

جهت تبیین و تحلیل پاسخ اصلی، سوالاتی فرعی در راستای سوال اصلی مطرح می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از:

آیا تکنولوژی‌های نوین ارتباطی باعث شکل‌گیری میکروجنبش‌های اجتماعی هویت‌گرا در درون عرصه‌ی عمومی شده است؟

ماهیت عرصه عمومی در عصر اطلاعات و جهانی شدن چیست؟

آیا تکنولوژی‌های نوین موجب تغییر مفهوم قدرت به معنای کلاسیک آن شده است؟

خصلت‌های عرصه‌ی عمومی در دنیای جهانی شدن و عصر اطلاعات کدامند؟

۱-۴. فرضیه ی اصلی پژوهش

در پاسخ به سوال اصلی این نوشتار فرضیه ی زیر مطرح شده است: به نظر می رسد تکنولوژی های نوین ارتباطی - اطلاعاتی باعث انبوه زدایی^۱، چند پاره شدن و تکثر حوزه عمومی شده است و هویت های متفاوت و متمایزی در عرصه عمومی به وجود آورده است.

تا قبل از ۱۹۷۰ و پیدایش جنبش های جدید اجتماعی عرصه عمومی، عرصه ای یکپارچه بوده است و افراد در این عرصه بدنبال مطالبات سیاسی و اقتصادی بوده اند، اما بعد از دهه ی ۷۰ به بعد دیگر مطالبات این عرصه صرفا سیاسی و اقتصادی نبوده است و گروه هایی ظهور کردند که بدنبال مطالبات هویتی، جنسیتی، قومی، نژادی، فرهنگی و... بوده اند؛ نظیر دانشجویان، زنان، طرفداران محیط زیست و... که هدف آنها از حاشیه به متن آمدن است و تکنولوژی های جدید می تواند به تقویت و گسترش این مطالبات کمک شایانی نماید.

۱-۵. متغیرها:

۱-۵-۱. متغیر مستقل:

تکنولوژی های جدید اطلاعاتی و ارتباطی

۱-۵-۲. متغیر وابسته:

تغییر حوزه عمومی

۱-۶. تعریف عملیاتی مفاهیم اصلی فرضیه اصلی پژوهش

۱-۶-۱. تکنولوژی اطلاعات

در تکنیک، عرصه ی علمی، فنی و توانایی دم دست بشر متفاوت از عقلانیت نظری است (رک: خالقی، ۱۳۸۲:۲۱۸). هزوید، شاعر یونانی، در حدود ششصد سال قبل از میلاد رساله ای نوشت به نام «کارها و روزها» و در آن بر وجه فنی و مهارتی این گونه عقلانیت تاکید کرد (بل، ۱۳۸۲:۱۳). این عقلانیت در قالب ساختن چیزها به منظور بکار گیری و با نگاه فایده گرانه و ابزاری، همواره زندگی روزمره ی انسانها را سامان داده است (همان: ۱۴). تکنولوژی به عنوان دانش این تکنیک، به بررسی حوزه عملی از توانایی آدمی می -

¹ De massification

پردازد. تکنولوژی در جامعه پیشا صنعتی در قالب ابزارهای ساده ی دستی، اهرم ها، چرخ ها و... نمود پیدا کرد. اختراعات و اکتشافات دوره ی مدرن در قالب تکنولوژی بخار و برق نیرو را از عضلات آدمی به درون خود ماشین و ابزار انتقال داد. تکنولوژی به طور پیوسته پیشرفت کرد، تا جایی که انسان ها در انتهای قرن بیستم با استفاده از سامانه های مخابراتی و الکترونیکی وارد عصر اطلاعات و پیدایش تکنولوژی اطلاعات شدند. تکنولوژی اطلاعات خود را به صورت فضای سایبر در قالب ماهواره، کامپیوتر و رسانه های دانش محور رمزی و نمادین دیجیتالی نشان داد. دانیل بل ویژگی های این عصر را در قالب یازده اصل اینگونه معرفی می کند: مرکزیت یافتن دانش نظری، آفرینش نوعی فن آوری جدید فکری، گسترش طبقه ی علمی، تغییر از کالاها به خدمات، تغییر در خصلت کار به صورت انسانی شدن کار، تبدیل شدن علم به آرمان ذهنی، پایگاه های علمی فن آورانه، اداری، فرهنگی، نهادی و ارتش به مثابه واحدهای سیاسی، شایسته سالاری بر اساس تعلیم و تربیت مهارت، پایان کم یابی به جز کم یابی مربوط به اطلاعات و زمان و اقتصاد اطلاعاتی (بل، ۱۳۸۵: ۴۴۷).

تکنولوژی اطلاعات توان آدمی را در غلبه کردن بر محدودیت های مکانی و زمانی بالا می برد. روزنا نیز در این مورد می گوید: فن آوری الکترونیکی جدید منجر به بزرگترین بمباران مطالب دیداری و شنیداری شده، که بشر در طول تاریخ خود تجربه کرده است. این فن آوری، رویدادهای کل جهان را به سرعت در معرض توجه هر مخاطبی قرار داده است (روزنا، ۱۳۸۳: ۴۵۴).

مرحله اول این تکنولوژی، الکترونیکی، رسانه ای، تصویری و اطلاعاتی بود. ویژگی این مرحله، ملی گرایی، خاص گرایی، هزینه های بسیار بالا و شیوع بسیار محدود، آن هم به صورت تک صدایی در اشکال ساده بود. مرحله دوم که بیشتر مد نظر این نوشتار است، بعد از تکامل مرحله ی اول، در آغاز دهه ی ۱۹۷۰ و شبکه های ماهواره ای اینتل ست^۱ است، که از یک شبکه نوپا به شبکه ای تبدیل شد که در اکثر کشورها قابل دسترسی بود. در ابتدای این دهه ۲۴ کشور دارای ایستگاه زمینی بودند، اما در پایان آن ۱۳۵ کشور از این خدمات بهره گرفتند (همان: ۴۵۴). تکنولوژی اطلاعات با ورود کامپیوتر، انقلاب جهانی ارتباطات و پیدایش و گسترش بی سابقه ی اینترنت در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید.

تکنولوژی اطلاعات با امکانات مدام در حال پیشرفت خود، جهان دور افتاده، ناآگاه و مرز دار انسانها در تمام کره ی زمین را تبدیل به دهکده ای جهانی نمود. این انقلاب تکنولوژیک اطلاعاتی به سایر حوزه ها نیز کشیده شد. به عنوان مثال می توان به جهش خارق العاده و عجیب علوم زیستی و ژنتیکی اشاره کرد که

1. Intelsat

تکامل آن در کنار تکنولوژی اطلاعات و یاری رساندنشان به یکدیگر، هم از جهت ارایه‌ی توانایی پوزیتیویستی به بشر برای تحلیل وقایع انسانی و طبیعی در تحلیل‌های پیشرفته و هم از جهت استفاده از هوش مصنوعی (که جای انسان را نمی‌گیرد بلکه توانایی او را تکمیل می‌کند) مورد استفاده قرار گیرد (روزنا، ۱۳۸۳: ۴۴۱). از این جهت است که اکنون افق‌های جدید ابزاری و امکاناتی، از حد فرصت و توانایی بالقوه فراتر رفته‌اند و خود زندگی، جهان زیست و تمام عرصه و دغدغه‌ی انسانی را در بر گرفته‌اند.

اهمیت تکنولوژی‌های اطلاعات زمانی برجسته می‌شود، که بدانیم قبل از تکنولوژی اطلاعات در قرن هیجدهم هر ۵۰ سال، اختراعات به دو برابر می‌رسید. این فرایند در ۱۹۵۰ به هر ۱۰ سال رسید، اما از ۱۹۷۰ به هر ۵ سال رسید (بیات، ۱۳۸۵: ۷). مدرنیته در اواخر قرن بیستم رویه‌ای انفجاری به خود گرفت؛ به نحوی که ۹۰ درصد از اختیارات بشر در نیم قرن گذشته شکل گرفته است. هینز در این باره می‌گوید: «تکنولوژی نیرویی است باعث تغییر». او در آغاز هزاره سوم، تکنولوژی‌هایی را که تعریف جدیدی از روابط اجتماعی و اقتصادی انسانها ارایه می‌دهند چنین دسته بندی می‌کند:

۱. برنامه‌های جدید کامپیوتری که فرصت طلایی و غیر قابل تصویری برای شرکتها، نهادها و دولت‌ها به همراه می‌آورد؛

۲. سیستم‌های ماهواره‌ای مانند ناب استار (مجموعه ۲۴ ماهواره که موقعیت‌های مکانی جهان را نشان می‌دهند)، تیروس (علم شناخت فضاها‌ی نا شناخته)، اسکای نت (برای ارتباطات زیر دریایی‌ها)، شبکه‌ی ایریدیم با ۶۶ ماهواره و شبکه‌ی ماهواره‌ی ای تله دسیک با ۸۴۰ ماهواره که تماماً برای پیش‌بینی‌های ماهواره-ای به کار می‌رود؛

۳. اینترنت و مخابرات فضایی به همراه افزایش کاربری از طریق فیبر نوری، اطلاعات سلولی دیجیتالی شبکه‌های برتر کامپیوتری، سیستم‌های ارتباط شخصی کامپیوتری، تابلوهای شبکه‌ای اینترنت و همین‌طور تلفن‌های همراه، پست الکترونیک و ویدئو کنفرانس در این مسیر قرار دارند؛

۴. و در آخر دستاوردهای بیوتکنولوژی و دست‌یابی به بخش ژن‌ها که می‌تواند تغییرات گسترده‌ای را در دانش، سلامت انسان‌ها و تولیدات گوناگون نوید دهد (هینز، ۱۳۸۷: ۸-۷).

افق‌های جدید ابزاری و امکاناتی در حد فرصت و توانایی‌های بالقوه فراتر رفته‌اند و اکنون خود زندگی، جهان زیست و تمام عرصه‌ها و دغدغه‌ی انسان‌ها- به صورت خلق تاریخ و انسان جدید - شده‌اند. تکنولوژی اطلاعات از آغاز دهه‌ی هفتاد و به ویژه با اوج گرفتن از ۱۹۹۰ به بعد ما را وارد عصر جدیدی ساخته است که با نام‌های گوناگون می‌توان به آن اشاره کرد: عصر پسا مدرن (لیوتار)، عصر اطلاعات

(کاستلرز)، عصر پسا صنعتی (بل)، عصر جهانی شدن (گیدنز)، عصر بیو تکنولوژی (ریفگین) و... که ویژگی همه‌ی آنها دست‌یابی بشر به قدرت جدید اطلاعاتی، ارتباطی و کشف علوم و فنون و هنرهای استراتژیک جدید است. رسیدن به دروازه‌ی فهم پسا نیوتنی و پسا مکانیکی کوانتومی رویای جدیدی است که در حال اوج گرفتن است. به این ترتیب به طور خلاصه می‌توان گفت منظور از تکنولوژی اطلاعات دو عرصه‌ی زیر است:

الف) عرصه‌ی عملی، انقلاب تکنولوژی اطلاعات از رسانه‌ها به ماهواره تلفن همراه و اینترنت و علوم زیستی، ژنتیکی و بیو تکنولوژیکی.

ب) جو، عصر و فضای حاصل از فراگیری تکنولوژی اطلاعات (عصر اطلاعات، پسا مدرن، پسا صنعتی، جهانی شدن و...)

۱-۶-۲. حوزه عمومی

در میان نویسندگان مکتب انتقادی یورگن هابر ماس جایگاه برجسته‌ای دارد. وی اگرچه به مکتب فرانکفورت تعلق دارد، ولی برخلاف بسیاری از نویسندگان این مکتب معتقد به دیدگاهی جبری و بدبینانه از سر مایه‌داری متاخر نیست و راه دستیابی به افق‌های تازه‌ای از دموکراسی و مشارکت واقعی مردم در نظام سیاسی و غلبه بر محدودیت‌های نظام سر مایه‌داری را بسته نمی‌بیند. مهمترین بحث‌های هابر ماس در باره‌ی نقش و تاثیر سیاسی رسانه‌ها در نظام‌های دموکراتیک را می‌توان در نخستین اثر معروف وی با عنوان «تحول ساختاری حوزه‌ی عمومی» مشاهده کرد.

هابر ماس با نظریات خود مفهوم حوزه عمومی را به شکل نوینی وارد عرصه مطالعات سیاسی از جمله در زمینه‌ی ارتباطات و رسانه کرد و از این روی نقش وی در احیای مطالعات رسانه با ارجاع به مفهوم حوزه عمومی طی دهه‌های اخیر غیر قابل انکار است. تناسب و غنای نظریات هابر ماس در زمینه‌ی ارتباطات انسانی بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران علوم اجتماعی به ویژه در علوم سیاسی و ارتباطات را بر آن داشته است که از نظریات وی در عرصه مطالعات مربوط به رسانه‌های نوین، فرهنگ توده‌ای، مشارکت سیاسی و تغییرات سیاسی، رهایی انسان و دموکراسی رادیکال استفاده کنند.

حوزه‌ی عمومی در واقع ایده یا مفهومی هنجاری^۱ است که در چارچوب کلی نظریات هابر ماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفت و گو^۱ جای دارد. به نظر هابر ماس حوزه‌ی عمومی بخشی از حیات اجتماعی

^۱Normative

است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر در باره‌ی موضوعات و مسائیل مهم مربوط به خیر عمومی (مصالح عامه) پردازند. نتیجه‌ی این امر شکل‌گیری افکار عمومی است (Velibeyoglu, 1992: 2).

هابر ماس خود حوزه‌ی عمومی را چنین تعریف می‌نماید: «مقصود ما از حوزه عمومی قبل از هر چیز قلمرویی از زندگی اجتماعی ما است که در آن، آن چه به افکار عمومی منجر می‌شود می‌تواند شکل بگیرد». در هر گفت و گویی که در آن افراد خصوصی برای ایجاد مجمعی عمومی گرد هم می‌آیند بخشی از حوزه‌ی عمومی به وجود می‌آید (Habermas, 1989: 27).

در حوزه عمومی افراد نه برای کسب و کار گفت و گو می‌کنند و نه در مقام اعضای نهادهای قانونی یا دولتی (Habermas, 1974: 74). از نظر هابر ماس حوزه‌ی عمومی عرصه‌ی حضور و مشارکت آزادانه و برابر همه‌ی شهروندان در گفت و گوی جمعی در جامعه دموکراتیک است. در این عرصه گفت و گو بر اساس معیار عقلانیت انجام می‌شود و ماهیت رهایی بخش عقل جمعی در آن تجلی می‌یابد. هابر ماس در «تحول ساختاری حوزه عمومی» چگونگی ظهور و افول حوزه عمومی بورژوازی را در جوامع سرمایه‌داری اروپایی قرن هجده و نوزده بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که غلبه منافع خصوصی و قدرت سیاسی نهادی (دولت) چگونه به افول حوزه عمومی در این جوامع انجامید. وی حوزه عمومی را متعلق به «جهان زیست» اجتماعی می‌داند و افول آن را ناشی از غلبه «سیستم» بر «زیست جهان»^۱ معرفی می‌نماید (Pusey, 1987: 105-109). شرایط عام گفت و گو در حوزه عمومی را چنین می‌توان عنوان نمود که:

گفت و گو در حوزه عمومی هنگامی نقش رهایی بخش خود را ایفا می‌کند که شرایط خاصی برقرار باشد. این شرایط از این قرارند:

۱. شکل و محتوای گفت و گو باید عقلانی-انتقادی^۲ باشد.

۲. در حوزه عمومی تنها در باره‌ی موضوعات مدنی مشترک بین شهروندان باید گفت و گو شود. طرح موضوعات خصوصی مجاز نیست.

۳. شرکت کنندگان باید همه‌ی تفاوت‌ها و تمایزات میان خود را نصادیده بگیرند و همچون افراد برابر در گفت و گو مشارکت نمایند.

¹ Discourse Ethics

² Lifeworld

³ Rational-Critical

۴. فرایند گفت و گو محدود به شکل گیری افکار عمومی است و هرگز نمی تواند به تصمیم سازی های عملی و اداری منتهی شود.

۵. یک حوزه عمومی یکپارچه، که رسیدن به وفاق در آن امکان پذیر باشد، همیشه بر تنوع و تعدد حوزه های عمومی ترجیح دارد (McCarthy, 1978: 77).

همچنین اخلاق گفت و گو در حوزه عمومی نیز قواعدی دارد:

اعضای حوزه عمومی باید به قواعد خاصی پایبند باشند که رسیدن به «وضعیت آرمانی سخن»^۱ را امکان پذیر می سازد. این قواعد اخلاق گفت و گو را در حوزه عمومی تشکیل می دهند:

۱. هر کسی که توانایی سخن گفتن و عمل را داشته باشد حق مشارکت در گفت و گو را دارد.

۲. هر کسی حق دارد که در باره ی هر موضوع عمومی پرسش کند.

- هر کسی حق دارد هر موضوعی را در گفت و گو مطرح نماید.

- هر کسی حق دارد که نگرش ها، خواسته ها و نیازهای خود را مطرح نماید.

۳. هیچ گوینده ای نباید به علت اجبار درونی یا بیرونی از اعمال حقوقی در موارد ۱ و ۲ منع گردد.

از مجموع این مباحث می توان به معیارهایی دست یافت که تکامل زندگی سیاسی، دموکراسی مشارکتی^۲ را در حوزه عمومی هابرماس تامین و تضمین می نماید. آزادی از اجبار درونی ناشی از سلطه ی قدرت و ثروت، برابری در گفت و گو، دسترسی همگان به اطلاعات، پیروی از معیارهای عقل ارتباطی و مشروعیت نگرش انتقادی از جمله این معیارها است. بر این اساس حوزه ی عمومی فضایی است سیاسی که در آن حقوق افراد به عنوان شهروندان آزاد و برابر به رسمیت شناخته می شود و جماعت سیاسی شکل می گیرد. از آنجا که ارتباطات افراد در وضعیت آرمانی گفت و گو از هرگونه اجبار نهادی رها است، گفت و گو در حوزه عمومی می تواند به توسعه دموکراتیک در همه سطوح اجتماعی منجر شود (Habermas, 1996: 245).

هابرماس نه تنها زیست علمی خود را وقف نظریه پردازی گفت و گو در سپهر عمومی می کند، بلکه در عمل نیز باب گفت و گو را با دانشجویان رادیکال و معترض، اهالی فلسفه تحلیلی و طرفداران پوزیتیویسم، نظریه پردازان پسا مدرن، و هرمنوتیست های هایدگری در سپهر عمومی می گشاید. به نوعی می توان گفت که هابرماس هستی خود را معطوف به بازیابی گفت و گو در جهان مدرن می کند.

¹ Ideal Speech Situation

² Participatory Democracy

انسان گفت و گو هابر ماس در دنیای مدرن و به بیانی دقیق تر در وضعیت مدرن، تنها در سپهر عمومی امکان آشکار شدن هستی خود را دارد. او در تکاپوی تقویت نظریه‌های دموکراسی گفت و گویی یا شورایی، قصد دارد تا در مورد گفت و گو در سپهر عمومی تامل بیشتری کند.

از این بررسی مختصر می‌توان دریافت که مفهوم حوزه عمومی را نمی‌توان به سادگی و بدون ارجاع آن به چارچوب کلی نظریات هابر ماس و ارتباط آن با نظریه کنش ارتباطی، اخلاق گفت و گو و وضعیت آرمانی گفت و گو دریافت. از آنجا که نظرات هابر ماس در مورد حوزه عمومی نقش محوری دارد به صورت مفصل - تر در فصل اول توضیح داده خواهد شد.

۱-۷. روش شناسی

به نظر می‌رسد در معنای روش شناسی و رابطه‌ی آن با دیگر دانش‌ها ابهاماتی چند وجود داشته باشد: بعضی روش شناسی را مبحثی نظری می‌دانند که با تعقل، منطق و فلسفه پیوسته است. بعضی دیگر روش شناسی را از فلسفه جدا دانسته، آن را یک رشته‌ی علمی می‌دانند. بالاخره بعضی دیگر بر این راه (علمی دانستن روش شناسی و جدا سازی آن از فلسفه) بیشتر تاکید دارند. آنان ضمن پذیرش منطق، فلسفه و بطور کلی تعقل در کار روش و احراز شناخت، معتقدند باید با مباحث ملموس و پدیده‌های حیات انسانی تماسی نزدیک تر برقرار سازیم (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۳-۲۴). به هر حال نباید فراموش کرد موضوع روش شناسی، روش‌ها هستند و روش شناسی به مطالعه روش‌های علوم، مقایسه و یافتن محدودیت‌ها و نقاط ضعف و قدرت آنها هستند (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۸).

«وقتی این ظن در ما ایجاد شود که آن هیولای علمی که از درون میکروسکوپ تحلیلی به ما خیره شده است، چشم خود ماست چه اتفاقی خواهد افتاد؟» (هوی، ۱۳۸۵: ۱۳۴). سوال اصلی منطق مطالعه در پیرامون رابطه‌ی تکنولوژی اطلاعات و تغییر حوزه عمومی است. نحوه‌ی گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و رجوع به متفکران جامعه شناس و فیلسوفان سیاسی و عالمان علوم ارتباطات، سیاست و... است. اما روش شناسی (یعنی ظاهر علمی و یکنواختی ساختاری، پرداختن بدون تناقض به موضوع) برگرفته از آرای ژان فرانسوا لیوتار در کتاب «وضعیت پست مدرن» گزارشی درباره‌ی دانش، که به صورت انجیل پست مدرن نیسم درآمده است، می‌باشد.

لیوتار در کتاب وضعیت پست مدرن مفاهیم مدرن و پست مدرن را اینگونه توصیف می‌کند:

«من واژه‌ی مدرن را دراجاع به هر نظریه‌ای به کار می‌گیرم که برای مشروعیت بخشیدن به خود به گونه‌ای روایت بزرگ مانند، رهایی انسان معقول یا انسان زحمت کش نیاز دارد». مدرن از نظر لیوتار نگره‌ای است که روایت بزرگ را برای توجیه علم لازم می‌انگارد. اما در مقابل پست مدرن نگره‌ای است که نسبت به هر تعبیری از روایت بزرگ سخت بدبین است. لیوتار هر کوششی نظری برای یافتن اصل یا اصول کلی حاکم بر همه‌ی فعالیت‌های بشری و همه‌ی روابط اجتماعی (بازی‌های زبانی) را روایت بزرگ می‌شمارد. ولی به گمان او در جهان پست مدرن به دلیل گوناگونی بازی‌های زبانی جایی برای اصل یا اصول کلی حاکم بر آن نیست. به نظر لیوتار، فلسفه، اخلاق، سیاست و دانش مدرن که با دکارت آغاز شده و از راه کانت به هگل و مارکس رسید، مبنای شکل‌گیری نسخه‌های مدرن روایت بزرگ است، ولی او معتقد است که این فلسفه‌ها در دنیای معاصر (پست مدرن) دیگر کارایی ندارد (حقیقی، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۲). وی صریحاً اعلام کرده است که «پسا مدرن» را باید به عدم اعتقاد به فرا روایت تعریف کرد (لیوتار، ۱۳۸۰: ۵۴). مراد از فرا-روایت‌ها نیز همان اصول و مبانی است که فلسفه از دیر باز بر پایه‌ی آنها نظریات خود را استوار نموده و جهان را به مدد آنها تفسیر می‌کند (ضیمران، ۱۳۸۲: ۲۹۶).

اگر ویژگی‌های مدرنیسم را عقلانیت، عینیت، سعادت و نیک بختی بدانیم، لیوتار می‌گوید از منظر جامعه‌شناسی به دورانی رسیده‌ایم که در آن مدرنیسم به این معنا در بحرانی عمیق فرو رفته است. عقل‌گریزی و ذهن‌گرایی سر بر افراشته‌اند، مردم به علم بد گمان شده‌اند و پی‌جویی نیک‌بختی هر چه بیشتر چون رویایی، رنگ و رو باخته به چشم می‌آید، هنر هم همین حال و هوا را منعکس می‌کند (ماتیوز، ۱۳۷۸: ۲۶۱). لیوتار هر دو روایت روشنگری فرانسوی (عقل) و روایت دانش آلمانی (علم) را فرا روایت‌های کلان می‌نامد، نوعی داستان‌های بزرگ که مدعی هستند قادر به تبیین و تابع‌سازی تمامی روایت‌های محلی خرد و کم‌اهمیت‌ترند (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۹).

اندیشمندان پست‌مدرن سه گزاره روش‌شناختی زیر را طرح و از این طریق شیوه‌شناخت و بررسی مناسبات اجتماعی را شدیداً متأثر ساختند: یک. تلقی جهان به عنوان متن و ضرورت تعبیر و تفسیر آن؛ دو. ابتدای دانش بر قدرت و ماهیت تاریخی حقیقت؛ سه. بی‌اعتمادی به فرار روایت‌ها. با سه گزاره فوق، مفروضات و حتی نگرش‌های پوزیتیویستی مورد سوالات جدی قرار گرفت. زیرا مطابق تجربه‌مشاهداتی پوزیتیویست‌ها اولاً جهان یک واقعیت و متضمن حقیقت دانسته می‌شد؛ ثانیاً دانش به صورتی مستقل و فارغ از مناسبات قدرت به دست می‌آمد و ثالثاً سلسله قواعد و قوانین قابل‌تعمیمی وجود دارند که فرا زمانی و فرا مکانی‌اند (نصری، ۱۳۸۵: ۳۰).